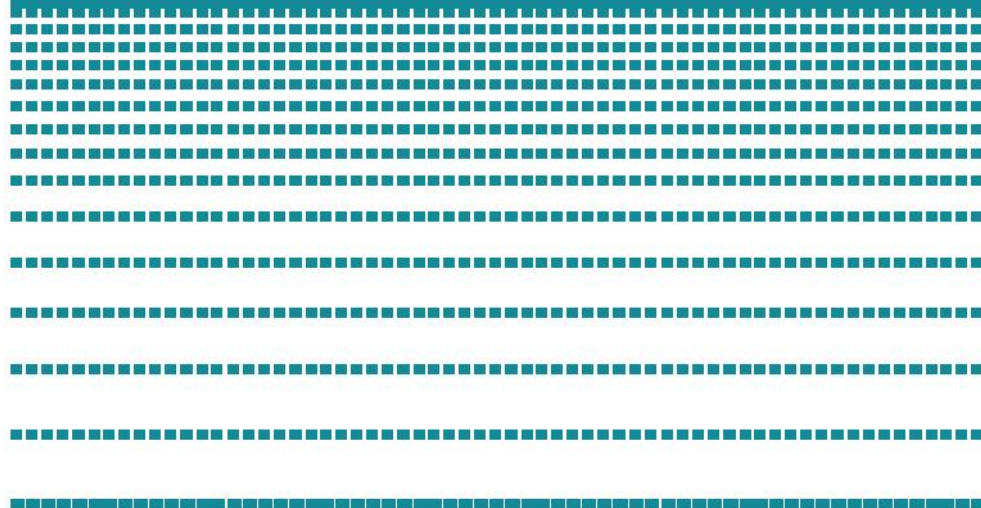




اولین و بزرگترین دایرکتوری مجازی طلاب

www.14khorshid.ir

www.14khorshid.net



موضوع تحقیق:

بررسی فقهی دریافت اجرت برای انجام عبادات

نام دانش پژوه:

علی محمدی

استاد راهنما:

حجۀ الاسلام والمسلمین سید احمد موسوی

مقطع تحصیلی:

پایه ششم

مرکز آموزشی:

مدرسه امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) یاسوج

سال تحصیلی:

۱۳۹۳ - ۱۳۹۴

مقدمه

از قدیم الایام در مورد اینکه آیا گرفتن اجرت برای عبادات جایز است یاخیر بین مردم شبهاتی بود، علماء برای برطرف شدن این شبهات ومشخص شدن اصل وحقیقت مسئله تحقیقاتی انجام داده اند وفتاویی داده اند که ما دراین مختصر بنا بر آن داریم که اول امر بعد از تقسیمات، تعریف ومنظور از هرکدام از عبادات را بیاوریم وبعد فتاوا بعضی از فقهاء را بیاوریم تا این شبهات که در ذهن بسیاری از مردم در عصر حاضر است وحتىی مبلغین نیز در جواب آن مانده اند را برطرف کنیم. انشاء الله

قبل از شروع بحث باید دو چیز را توضیح دهیم:

الف: منظور از عبادات چیست:

مرحوم مظفر در کتاب اصول فقه می فرماید: هر چیزی که بتوان در آن قصد قربت کرد را عبادت می گویند.

عبادات بر دو قسم است: ۱. عبادات بالمعنی الاخص ۲. عبادات بالمعنی الاعم

۱.. عبادات بالمعنی الاخص: یعنی خصوص عبادتی که اگر در آن قصد قربت نکنیم آن عبادت صحیح نخواهد بود. یعنی اثر عبادات متوقف بر قصد قربت است.

مثل نماز که اگر قصد قربت نکنیم صحیح نخواهد بود و به این قسم از عبادات ، واجبات تعبدی نیز می گویند.

۲. عبادات بالمعنی الاعم: یعنی هر عبادتی و هر عملی که نیاز به قصد قربت ندارد ولی اگر قصد قربت بکنیم و آن عمل را برای ذات اقدس الهی انجام دهیم متقرب به ایشان خواهیم شد، ولی اثراشان متوقف بر قصد قربت نیست، و به این عبارات واجبات توصلی نیز می گویند.

مثل شستن لباسها که اگر قصد قربت بکنیم به خداوند نزدیک می شویم و ثواب این عمل را می بریم و اگر قصد قربت نکنیم اثرش نیز مانند جایی که قصد قربت می کنیم حاصل می شود.^۱

ب: منظور از اجرت چیست:

یعنی پاداش عامل در مقابل انجام دادن عمل

اجرت بر دو قسم است : ۱.. اجرت مادی ۲. اجرت معنوی

۱.. اجرت مادی: یعنی دادن هدیه ای در دنیا به عامل بخاطر انجام دادن عمل

۲.. اجرت معنوی: یعنی ثواب و اجرتی که خداوند ماعال برای شخص عامل مشخص می کند و می دهد.

محل نزاع ما در این مبحث عبادت به معنی اخص است یعنی می خواهیم بحث کنیم که اگر کسی عبادتی که قصد قربت در آن شرط است انجام دهد و در مقابل آن اجرت مادی «پول یا هدیه ای» دریافت کند آیا این اجرت در مرحله ی اول حلال است یا حرام و بعد آیا مقتضی بطلان آن عبادت می شود یا خیر؟ به عبارتی دیگر آیا اجرت مادی که دریافت می کند منافاتی با اجرت معنوی دارد یا خیر؟ زیرا که در آن عبادت «عبادت بالمعنی الاخص» قصد قربت شرط است و نباید چیزی منافاتی با این هدف و نیت داشته باشد!

^۱ مظفر محمدرضا / اصول فقه / ص ۴۱۴

عبادات خود بر چند قسم است، در این مختصر علاوه بر تعریف آن عبادت و معلوم کردن مقصود و مفهوم آن باید معلوم کنیم که آیا جایز است در مقابلش اجرت بگیریم یا خیر؟

الف: اجرت برای یاد دادن مسائل دینی

یادگرفتن مسائل دینی بر دو قسم هستند: ۱. واجبات ۲. مستحبات

۱. **واجبات:** آن اموری هستند که فرا گرفتن آنها برانسان واجب است، خواه جزء مسائلی باشد که انجام آنها واجب است و خواه جزء مسائلی باشد که حذر و دوری از آن واجب است و انجام آن حرام است.

به اجماع فقهاء گرفتن اجرت برای یاد دادن واجبات جایز نیست و معلمین و مبلغین گرامی برای این قسم از مسائل نباید اجرت مادی بگیرند.

آیه الله خامنه ای: گرفتن اجرت در برابر اموری که برانسان واجب است اشکال دارد.^۲

آیه الله سیستانی: در همه ی مواردی که تبلیغ دین واجب نیست دریافت اجرت اشکال ندارد.^۳

آیه الله صافی: گرفتن اجرت بر هر چیزی که بر مکلف واجب نباشد مانع ندارد والله اعلم.^۴

لازم به ذکر است که منظور از عدم صحت را علماء در این جا در مقابل انجام دادن خود عمل گرفته اند ولی برای ایاب و ذهاب و بقیه مسائلی که بعدا اشاره می کنیم اشکال ندارد.

۲. **مستحبات:** آن اموری که فرا گرفتن آنها برانسان مستحب است و در صورت یاد گرفتن با عمل به آنها خود را به بهشت رضوان در جهان ابدی نزدیک می کند است.

مستحبات عام است و نه تنها چیزهایی که برانسان مستحب است را شامل می شود بلکه چیزهایی که مکروه و مباح است را نیز در بر می گیرد.

بنابر نظر همه ی فقهاء اجرت گرفتن برای یاد دادن این گونه مسائل اشکال ندارد.^۵ اما این اشکال باقی است که نه تنها یاد دادن مستحبات بلکه همه ی مستحبات، از عبادات هستند و باید در آنها قصد قربت شود و عبادات بدون قصد قربت همانطور که بیان کردیم صحیح نیست پس چگونه اجرت گرفتن در آنها جایز است؟ به عبارتی دیگر آیا با قصد قربت منافاتی دارد؟

علماء در کتبشان می فرمایند که حدیث و روایت داریم و تعبدی است که برای عبادات واجب اجرت نگیریم اما برای عبادات مستحب اشکالی ندارد و جایز است. اما ما نتوانستیم روایت را بدست آوریم.

^۲ اکبری جدی صابر / نشریه ی علمی، فرهنگی، تبلیغی مسجد و دانشگاه / ص ۱۰۶

^۳ همان

^۴ همان

^۵ همان

وهم چنین دلیل آورده اند که چون این عبادات مستحب است و جایز است که آن را ترک کنیم بنابراین کسی که این عمل را انجام داده شایسته تقدیر است و این اجرت در مقابل خود عبادت نیست بلکه به خاطر زحمتی است که ایشان درقبال عمل انجام داده است.

ب: عبادات استیجاری:

استیجار در لغت: به معنای مطلق اجیر گرفتن است برای انجام کاری چه عبادت باشد و چه نباشد.

اما استیجار در اصطلاح: به معنای اجیر گرفتن برای انجام اعمال عبادی شخص است

در عبادات استیجاری مانند بقیه ی عبادات نیاز به قصد قربت دارد اما قصد قربت در اعمال استیجاری چگونه است؟

شیخ انصاری رحمه الله علیه می فرماید:

استیجار یعنی اینکه شخص حصول می کند قصد قربت را در عبادتهای استیجاری، به این دلیل است که اجاره در این عبادات برای انجام فعلی منعقد می شود که به انگیزه ی تقرب به خداوند و به نیابت از فلان شخص به جا آورده می شود، یعنی اینکه شخص خود را نایب از شخص دیگری در انجام عمل قرار می دهد که باید با قصد قربت انجام شود.^۶

اما این قصد قربت با وجود وجهی که دریافت می کند چطور حاصل می شود؟

آیت الله مکارم می فرماید:

علماء برای تصحیح این عبادات دلایلی و راه هایی ذکر کردند اما هیچ کدام از آنها نمی تواند قصد قربت را در این عبادات تصحیح کند. مگر اینکه قائل به راه داعی بر داعی شویم، یعنی اینکه انسان یک داعی وانگیزه بر عبادت دارد و آن خداوند متعال است و گاهی علاوه بر این انگیزه، انگزه ای دیگر نیز دارد، که آنرا داعی بر داعی می گویند. چه اشکالی دارد که داعی بر داعی غیر از خداوند سبحان باشد؟ مانند کسانی که عبادات را برای فرار از جهنم و رفتن به بهشت انجام می دهند، که تنها راه تصحیح عملشان راه داعی بر داعی است. چون افرادی که فقط برای خداوند متعال و بدون از هیچ انگیزه ی دیگری {مثل مولا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام} عمل را انجام می دهند جداً نایاب و کم است.

و مثل نماز باران که انگیزه ی اصلی خداوند است اما داعی بر داعی وانگیزه ی دوم آن که در طول انگیزه اول است رفع خشکسالی و آمدن باران است.

^۶ عباسی محمد مسعود و پایانی / شرح مکاسب / ج ۳ / ص ۱۵

ضمناً انگیزه ی وداعی دوم در طول داعی اول است نه در عرض، انگیزه عرضی مثل اینکه انگیزه شخصی در پیاده طی کردن مسیر منزل تا محل کار امری مختلفی است که در عرض یک دیگرند، الف: صرفه جویی در مخارج، ب دیدار برخی از دوستان که در مسیر راه هستند، ج: خرید کالاهای مورد نیاز که در مسیر راه است. انگیزه طولی هم مثل اینکه برای انجام کاری انگیزه داریم و برای این انگیزه داعی دیگری وجود دارد و برای داعی دوم داعی سومی باشد که این سه داعی وانگیزه در طول یک دیگرند^۷ و از این جهت مشکلی بوجود نمی آورد.^۷

اما با این وجود نظر علماء در این باره مختلف است:

آیت الله مکارم: اجبر گرفتن برای قضای نماز و عبادات های دیگر از طرف اموات خالی از اشکال نیست مگر در حج، و اگر کسی بخواهد در عبادت های دیگر اجبر بگیرد وجهی را که می پردازد به صورت هدیه باشد و عملی را که اجبر انجام می دهد به صورت تبرع، اما به جا آوردن نماز و روزه ی قضا و هم چنین نماز روزه ی مستحبی به قصد قربت و بدون گرفتن اجرت اشکالی ندارد.^۸

آیه الله زنجانی: بعد از مرگ انسان می شود نماز و عبادت های دیگری را که او در زندگی به جا نیاورده، شخص دیگری به جا آورد که به او نایب می گویند و عمل او را نیابت می نامند. و در حال حیات انسان تنها در حج و زیارت نیابت مشروع است. و هم چنان که نیابت تبرعی و بدون مزد صحیح است، نیابت با اجاره یا جعاله یا شرط ضمن عقد و مانند این ها نیز صحیح می باشد.^۹

آیا اجبر شدن فقط از طرف اموات است؟

امام خمینی و آیه الله مکارم: انسان می تواند برای بعضی از کارهای مستحب مانند زیارت قبر پیامبر صل الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از طرف زندگان اجبر شود، ولی احتیاط واجب آن است که پول را برای مقدمات کار بگیرد و نیز می تواند اعمال مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را به اموات یا زنده ها هدیه نماید^{۱۰}

ج: نماز جماعت

یکی دیگر از عبادات برپایی نماز جماعت است، نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و در روایات فوق العاده روی آن تکیه شده است، مخصوصاً برای همسایه ی مسجد یا کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می تواند نمازش را به جماعت بخواند.

در روایتی آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتداء کند هر رکعت آن ثواب ۱۵۰ نماز را دارد، و اگر دو نفر اقتداء کنند هر رکعت ثواب ۶۰۰ نماز و هر قدر عدد نماز گزاران بیشتر شود ثواب نمازشان بیشتر خواهد

^۷ مکارم ناصر / حبله های شرعی و چاره جویی های صحیح / ص ۵۷-۷۲

^۸ بنی هاشمی خمینی سید محمدحسن / توضیح المسائل ۱۲ مرجع / ج ۱ / ص ۷۸۱

^۹ همان

^{۱۰} همان

شد؛ و اگر تعداد آنان از ده نفر بگذرد اگر تمام آسمان ها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و ملائکه وانس و جن نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آنرا بنویسند.^{۱۱}

جماعت خواندن نماز بر دو قسم است:

۱. جماعت واجب: و این نوع از جماعت در نماز پرفیض جمعه است هرچند در وجوب خود نماز جمعه بین فقهاء اختلاف است.

۲. جماعت مستحب: و این صورت از جماعت در نمازهای یومیه است هرچند خود نماز واجب است.^{۱۲}

واز آنجایی که نماز جماعت جزء عبادات و از مستحبات مؤکد است و در آن قصد قربت شرط است این سؤال مطرح است که کسانی که امام جماعت می شوند چه در جماعات واجب و چه در جماعات مستحب آیا جایز است اجرت بگیرند یا خیر؟

به عبارتی دیگر آیا اجرت گرفتن منافاتی با قصد قربت دارد یا خیر؟

ما در این جا نظرات برخی از علماء را بعلاوه سؤالاتی را که از ایشان در این مورد شده را می آوریم تا ببینیم که آیا دریافت اجرت صحیح است یا نه و به این همه شبهه که در این مورد است جواب دهیم؟

همان گونه که مستحضرید اقامه ی نماز جماعت در مراکز مختلف نیاز به حضور ائمه جماعت در آن مراکز است، از همین رو سؤالی برای افراد جامعه مطرح است که مستدعیست به آنها جواب لازم را مبذول نمائید؟

الف: آیا گرفتن اجرت برای امام جماعت جایز است؟

۱. آیت الله خامنه ای: جایز است.

۲. آیت الله مکارم: جایز است.

اما دلیل بر جایز بودن چیست؟

علماء برای پاسخ به این سؤال جوابهایی داده اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. دریافت اجرت برای وسیله ایاب و ذهاب باشد.

۲. در مقابل مستحباتی که در نماز یا خارج از نماز مانند نشستن و صرف کردن وقت با مردم

۳. صرف کردن وقت و مقید کردن خود به اینکه هر روز وقت مخصوصی در جایی حاضر شود و در آنجا نماز جماعت خود را بخواند.

۴. حق القدم و حق الزحمة: یعنی همین که شخص برای انجام نماز جماعت راهی را می پیماید و خود را به زحمت می اندازد خود مستحق اجرت است.

۵.

ب: آیا گرفتن اجرت منافاتی با قصد قربت دارد؟

^{۱۱} مکارم ناصر / رساله ی توضیح المسائل / ص ۲۳۰

^{۱۲} زین الدین جبعی العاملی (شهید ثانی) / الروضة البهیة فی الشرح للمعه الدمشقیه / ج ۱ / ص ۷

۱. آیت الله خامنه ای: منافاتی ندارد.

۲. آیت الله مکارم: منافاتی ندارد.

اما دلیل عدم منافات چیست؟

هیچ گونه منافاتی بین اجرت گرفتن و قصد قربت نیست، چه اشکالی دارد برای توجیهاات بالا اجرت بگیریم و در عین حال قصد قربت نیز داشته باشیم،

ج: اگر دریافت اجرت برای ایاب وذهاب است برای کسانی که مسجد در کنارشان هست دریافت اجرت چه حکمی دارد؟

همانور که قبلا اشاره کردیم یکی از ادله ایاب وذهاب بود و اگر یکی از آنها خارج شود بقیه بر ثبات خود باقی می ماند.

د: آیا شرط میزان اجرت در مقابل ایاب وذهاب امام جماعت قبل از عمل منافاتی با قصد قربت دارد یا خیر؟ از نظر اخلاقی چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: حرام نیست اما از نظر اخلاقی جایز نیست.

د: تبلیغ:

در آیات وروایات معصومین به تبلیغ دین مبین اسلام به وفور اشاره شده است، به گونه ای تبلیغ مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^{۱۳}

یعنی «وشایسته نیست مؤمنان همگی برای جهاد کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه تی از آنان دسته ای کوچ نمی کنند { تا دسته ای بمانند } و در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند، باشد که آنان از کیفر الهی بترسند.»

آیت الله مکارم در تفسیر نمونه می فرماید:

«شک نیست که منظور از تفقه در دین فراگیری همه ی معارف واحکام اسلام اعم از اصول وفروع است، زیرا در مفهوم تفقه همه ی این امور جمع است، بنابراین آیه فوق دلیل روشنی است براینکه همواره گروهی از مسلمانان به عنوان یک واجب کفائی باید به تحصیل علم ودانش در زمینه متمم مسائل اسلامی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل برای ابلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف مخصوصاً به قوم وجمعیت خود بازگردند، و آنها را به مسائل اسلامی آشنا سازند.»

بنابراین آیه فوق دلیل روشنی است بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی، و به تعبیر دیگر هم تحصیل را واجب کرده وهم یاد دادن را، و اگر دنیای امروز به تعلیمات اجباری افتخار می کند، قرآن در ۱۴ قرن پیش علاوه بر آن بر معلمین نیز این وظیفه را واجب کرده است.^{۱۴}

شیخ انصاری در کتاب مکاسب می فرماید:

«یکی از اموری که کاسبی با آن حرام است اموری است که انجام آن به صورت عینی یا کفایی یا تعبدی و یا توصلی بر انسان واجب است»^{۱۵}

حال سؤال این است که اجرتی که مبلغان گرامی برای تبلیغ با توجه به واجب بودنش می گیرند چه حکمی دارد آیا وجه شرعی دارد یا خیر؟

علماء اجرت گرفتن برای تبلیغ را جایز دانسته اند اما دلیل بر جایز بودن آن چیست؟

۱. دریافت اجرت برای وسیله ایاب و ذهاب باشد.

۲. دریافت اجرت برای مخارج مبلغ باشد.

۳. دریافت اجرت برای حق الزحمه و حق القدم باشد.

۴. برای صرف کردن وقت خود و مقید کردن خود به اینکه در آنجا حاضر شوند.

۵. برای کارهای مستحبی که در آنجا انجام می دهند.

ه: کفن و دفن و تجهیز میت:

یکی دیگر از اعمالی که بر انسان واجب است، غسل و کفن و نماز و دفن میت است، که به اجماع فقهاء واجب کفایی است، یعنی اگر برخی از مسلمانان آن را انجام بدهند، بقیه از انجام آن بریء الذمه می شوند و دیگر لازم نیست که آن را نیز انجام دهند.

باتوجه به اینکه یکی از چیزهایی که کاسبی با آن حرام است و اجباتند این سؤال مطرح است که آیا اجرت گرفتن برای انجام آن آیا وجه شرعی دارد؟

علماء نیز در این جا دریافت اجرت را جایز دانسته اند به همان ادله ای که در اول صفحه اشاره شد.

^{۱۴} مکارم ناصر / تفسیر نمونه / ج ۸ / ص ۱۹۳

^{۱۵} عباسی محمد مسعود و آیت الله پایانی / ترجمه و شرح مکاسب / ج ۳ / ص ۱۱

و: مداحی

قبل از شروع در بحث باید معنی و منظور از مداحی معلوم شود،

مداحی در لغت: کلمه ی مداح از کلمه ی مدح گرفته شده و در لغت به معنی ستایش کننده است.

مداحی در اصطلاح شرع: یعنی مدح و سرای معصومین علیهم السلام

ائمه اطهار علیهم السلام از مداحان تقدیر و تشکر کر کرده واز آنها می خواستند که در مجالس با شعر وروضه مکتب حسینی را زنده نگه دارند؛ امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُّ أَلَيْنَا وَيَمْدَحُنَا وَيَرْتِي لَنَا»^{۱۶}

(خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داده که به سوی ما می آیند و ما را مدح و مرثیه می گویند.)

مداحی بر چند قسم است:

۱. سخنرانی: مؤثرترین راه است برای تبلیغ دین مبین اسلام و مکتب حسینی.
۲. روضه خوانی: بعد از سخنرانی از بقیه مداحی ها مؤثرتر است.
۳. شعر گفتن: بعد از روضه خوانی از بقیه مداحی ها مؤثرتر است.
۴. نوحه خوانی: بعد از شعر گفتن از بقیه مداحی ها مؤثرتر است و در واقع یکی از اقسام شعراست.
۵. اجرای تعزیه: بعد از نوحه خوانی از بقیه مداحی ها مؤثرتر است.

باتوجه به اینکه مداحی جزئی از عبادات است یعنی باید در آن قصد قربت کرد این سؤال مطرح است که آیا اجرت گرفتن برای این کار جایز است یاخیر؟

همه ی علماء اجرت گرفتن برای مداحی را جایز می دانند و شایان به ذکر است علماء دریافت اجرت برای قرائت قرآن را جایز می دانند:

آیه الله خامنه ای: گرفتن اجرت در برابر رفت و آمد یا ارائه خدماتی که برانسان واجب نیست اشکال ندارد.^{۱۷}

^{۱۶} احمدی گورجی ذبیح الله/ گلچین احمدی، به نقل از وسائل الشیعه، چاپ اسلامیة، ج ۱، ص ۴۶۹

^{۱۷} اکبری جدی صابر / نشریه ی علمی، فرهنگی، تبلیغی مسجد و دانشگاه/ ص ۱۰۶

آیه الله مکارم: دریافت اجرت برای اقامه ی نماز اشکال داردوبرای هزینه ی رفت و برگشت وجهت تبلیغ و سخنرانی واموری از این قبیل اشکال ندارد وچه بهتر که قرار دادی دراین زمینه نوشته نشود و آقایان روحانی وظایف خود را انجام دهند ومژمنین نیز آنها را تأمین نمایند.^{۱۸}

آیه الله سیستانی: درهمه ی مواردی که تبلیغ دین واجب نیست دریافت اجرت اشکال ندارد.^{۱۹}

آیه الله صافی: گرفتن اجرت برهرچیزی که برمکلف واجب نباشد مانع ندارد والله اعلم.^{۲۰}

ز: هدیه دادن

در روایات اسلامی به وفور به بحث هدیه دادن مردم به یکدیگر اشاره شده حتی پس گرفتن آن را از کسی که هدیه گرفته نهی کرده ودر حدیثی آمده که کسی که هدیه ای داده وپس گرفته مانند سگی است که قی خود را می خورد.

هدیه یکی از بهترین راه ها برای پیوند دوستی در بین مردم است، طبق نظر روانشان برای کسی که عشق اولی او دریافت هدیه است بهترین راه برای برقراری دوستی ورفاقت است.^{۲۱} اما بحثی که ما در این جا داریم این است که اگر کسی پولی یا هدیه ای درقبال عبادات (مانند: تبلیغ یا نماز استیجاری وجماعت و....) به شخص مبلغ وامام جماعت بدهد آیا گرفتن این هدیه جایز است ودر هر صورت دلیل علماء برآن چیست؟

همه ی علماء دریافت اجرت را جایز دانسته اند وبرخی از آنها حتی در جایی که حکم به صحت اجرت را مشکل دانسته اند دریافت هدیه را جایز می دانند ومی فرمایند که باید به عنوان هدیه به مبلغین داده شود نه عنوان اجرت به مثل اجرت گرفتن در عبادات استیجاری که حضرت آیت الله مکارم می فرمایند: که باید عبادات شخص مجاناً به جا آورده شود ووارث نیز به عنوان هدیه چیزی به ایشان پرداخت کنند.

در ضمن جامعه باید هزینه مبلغ را بپردازند تا مبلغ بدون هیچ گونه ناراحتی ودغدغه فکری واقتصادی به تحصیل وتفقه در دین که طبق آیه قرآن واجب کفایی است بپردازد وتبلیغ خود را انجام دهد، چیزی که در میان مردم متأسفانه تا چند سال قبل جا نیفتاده بود وخوشبختانه در این چند سال در بعضی از نقاط کشورمان راه افتاده است، باشدکه مردم وظیفه خود را در این زمینه انجام دهند انشاء الله.

^{۱۸} اکبری جدی صابر / نشریه ی علمی، فرهنگی،تبلیغی / ص ۱۰۶

^{۱۹} همان

^{۲۰} همان

^{۲۱} چاپمن گری/ پنج زبان عشق مجردها/ ص ۵۹

ک: درد دلی با مبلغان

گاهاً دیده می شود که در بعضی از مناطق امامان جماعت و مبلغین عزیز در ادارات هستند درحالیکه مساجد حتی مساجد نزدیک آنها خالی هستند و به خاطر عدم وجود مبلغ بسته شده یا یک نفر که چیزی در مورد دین و احکام دین نمی داند و حتی نماز او هم صحیح نیست به عنوان امام جماعت قرار گرفته و مسؤل کارهای فرهنگی آنجاست.

با ان وجود این سؤال به وجود می آید: که آیا انگیزه ی آنها خارج از اجرت است و آیا درنماز آنها اشکالی به وجود نمی آید و به عبارتی دیگر آیا در این مورد اجرت و پول باقصد قربت منافاتی دارد؟ استاد پایدار می فرمایند:

«این اشخاص می گویند که این عباداتشان با قصد قربت است اما مطمئناً این طور نیست و به وسیله ی این کارشان در جهنم جای می گیرند.»

این سخن استاد بدین معناست که نمازها و عباداتشان قصد قربت ندارد و در راه اجرت نماز خوانده اند و عباداتشان را به جا آورده و انجام می دهند، و مطمئناً کسی که این طور باشد و در راه پول عبادات را انجام دهند، اعمال آنها پذیرفته نخواهد شد، و مثل کسی است عبادت و وظیفه اش را بجا نیاورده است.

نظر فقهاء در این مورد:

آیه الله مکارم: اشکال شرعی ندارد {حرام نیست} اما از نظر اخلاقی جایز نیست.

اما دلیل آن چیست در حالیکه مساجد را خالی کرده اند؟

به نظر می رسد دلیل آن این است که درست است مساجدی که روایات زیادی در آن باره وارد آمده را خالی کرده اند اما به هر حال وظیفه خود را به وسیله انجام نماز در ادارات به جا آورده و اجرتی که دریافت می کنند در برابر ایاب و ذهاب و انجام مستحبات و بقیه ی ادله ای که قبلاً اشاره شد به نظر می رسد. ولی از نظر اخلاقی همان طور که آیه الله مکارم می فرمایند جایز نیست.

نتیجه:

دریافتیم که دریافت اجرت با توجه به فتاوای علماء و دلیل آنها جایز است و هیچ اشکالی وهم چنین باقصد قربت نیز منافاتی ندارد، لذا امیدواریم شبهاتی که در ذهن مبلغین عزیز وهم چنین مردم عزیزمان بود با توجه به این مختصر برطرف شده باشد انشاء الله تعالی.

التماس دعا

علی محمدی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اصول فقه، محمدرضا مظفر، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامیه، نوبت چاپ ششم / سال انتشار ۱۳۸۹
۳. ترجمه و شرح مکاسب، محمدمسعود عباسی و آیت الله پایانی، ناشر: انتشارات دارالعلم، نوبت چاپ: اول / سال انتشار ۱۳۸۷
۴. توضیح المسائل، آیت الله مکارم، ناشر: انتشارات قدس، نوبت چاپ: ۵۴ / سال انتشار ۱۳۹۰
۵. الروضه البهیة فی الشرح المعتمد للمعتمد، زین الدین جبعی العاملی (شهید ثانی)، نوبت چاپ: ۱۲ / سال انتشار ۱۳۹۱
۶. حیلہ های شرعی و چاره جویی های صحیح، آیت الله مکارم، ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیهما السلام، نوبت چاپ: ۴، سال انتشار ۱۳۸۹
۷. گلچین احمدی، ذبیح الله احمدی گورجی، ناشر: انتشارات بوستان احمدی، نوبت چاپ: ۵۵، سال انتشار ۱۳۹۰
۸. پنج زبان عشق مجردها، گری چاپمن، ناشر: مهراج، نوبت چاپ: ۵، سال انتشار ۱۳۸۹
۹. نشریه علمی، فرهنگ، تبلیغی مسجد و دانشگاه، صابر اکبری جدی، ناشر: سال انتشار: ۱۳۸۳
۱۰. توضیح المسائل ۱۲ مرجع، سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی، نوبت چاپ: اول، سال انتشار: ۱۳۷۶